

رادیو در خدمت

جنگ

قسمت پایانی



● پاتریس پولتزر
ترجمه شهرام جمالیان

داشتند، در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹، حاکمان بورژوازی را مورد حملات شدید خود قرار می‌دادند و از کارگران آن کشور می‌خواستند تا علیه کارفرمایان خود قیام کرده، حکومت را سرنگون کنند. آنها پیوسته به مردم فرانسه گوشزد می‌کردند که درگیری با آلمان نتیجه اتحاد دولت فرانسه با انگلیسی‌های امپریالیست است؛ کسانی که آماده‌اند هم آلمان و هم فرانسه را مورد تجاوز نظامی قرار دهند. آنها به این سیاست ادامه دادند تا شاید بتوانند فرانسوی‌ها را علیه بریتانیا (دشمن اصلی هیتلر) برانگیزانند. **رادیو اشتوتگارت** پیش‌زمینه ظهور **بورو کونکورديا** (Bureau Concordia) بود.

فرستنده هستند و این موضوع سردرگمی عجیبی را در بین اردوگاه جمهوری خواهان به وجود آورده بود. در سال ۱۹۳۷، نازی‌ها برنامه‌هایی را به زبان فرانسه پخش می‌کردند که به **رادیو اشتوتگارت** معروف بود. این رادیو تاحدی تبلیغات سیاه محسوب می‌شد. هر چند این حقیقت که برنامه‌ها از آلمان پخش می‌شود از شنونده‌ها پنهان نشده بود، اما دو گوینده این رادیو - از بین اتباع فرانسه انتخاب شده بودند - به شدت از حزب نازی طرف‌داری می‌کردند. با بالاگرفتن بحران سیاسی در اروپا، این دو گوینده که فردون (Ferdonnet) و اوبریش (Obrecht) نام

آغاز تبلیغات سیاه

اولین تجربه استفاده از تبلیغات سیاه، توسط نازی‌ها و در ژوئیه ۱۹۳۴ صورت گرفت. در آن هنگام، برلین هدایت شورشی مسلحانه در اتریش را به عهده داشت که توسط نازی‌های اتریشی در شهر وین آغاز شده بود. این شورش مسلحانه نافرجام ماند.

در نوامبر ۱۹۳۷ (یعنی در طول جنگ داخلی اسپانیا) وزارت‌خانه گوبلز، فرستنده موج کوتاه و قابل انتقالی را در اختیار ملی‌گرایان آن کشور قرار داد که در یک ورزشگاه فوتبال نصب شده بود. چنین وانمود می‌شد که جمهوری خواهان، گرداننده‌های این

پورو کونکورديا

گوبلز در اکتبر ۱۹۳۹ تصمیم گرفت در یک دگرگونی عمده، برشددت تبلیغات سیاه خود بیفزاید. او از آلفرد اینگمار بردنت (Ingemar Berndt-Alfred)، یکی از معاونان خود در وزارت تبلیغات خواست تا هماهنگ با وزارت خارجه، چند ایستگاه تبلیغاتی به منظور انحراف افکار فرانسوی‌ها و ایرلندی‌ها به راه اندازد. به همین دلیل، بردنت به دکتر آدولف راسکین (Adolf Raskin) اختیار تام داد تا تشکیل آژانسی ویژه و سری به نام پورو کونکورديا را در رأس اولویت‌های کاری خود قرار دهد. راسکین در آن زمان ریاست بخش امور جاری (Current Affairs Division) راديو آلمان را برعهده داشت، اما مدتی بعد به دلیل ابراز لیاقت در تأسیس و اداره پورو کونکورديا، به سرپرستی تمام

به‌نوشتن متون و مقالاتی به‌پردازند. خواندن این متون از راديو به یک فرانسوی آلمانی‌الاصل به نام تئودور تونی (Theodor Thony) سپرده شد. این برنامه‌ها که ادعا می‌شد از فرانسه پخش می‌شوند، در واقع از جایگاه ویژه خبرنگاران در ورزشگاه المپیک برلین، به روی آنتن می‌رفتند.

کونکورديا، کار خود را از ۱۲ دسامبر ۱۹۳۹ آغاز کرد. برنامه‌ای که آن زمان برای فرانسوی‌ها پخش می‌شد، **راديو انسانیت** (Radio Humanite) نام داشت و ادعا می‌شد که این راديو، صدای سری حزب کمونیست فرانسه است. درحقیقت، نازی‌ها از دشمنی این حزب با دولت فرانسه سوء استفاده‌های زیادی کردند. **راديو انسانیت** خود را صلح طلب معرفی می‌کرد و از فرانسوی‌ها می‌خواست تا دست

ایستگاه‌های مخفی آلمان در طول سال ۱۹۴۰،

تمام سعی خود را به کار بستند تا جو وحشت و ترس را در

فرانسه ایجاد کنند. دسترسی به طول موج‌های شناخته

شده‌ای، مانند: راديو بروکسل و راديو پاریس، به منطقی

بودن تبلیغات این ایستگاه‌های سری می‌افزود. این پیام‌ها،

بارها و بارها از این ایستگاه به گوش شنونده‌ها می‌رسید:

فرانسه ضعیف است، آلمان نیرومند است و بریتانیا از

فرانسه در جهت مقاصد امپریالیستی خود بهره می‌گیرد.

به تظاهرات صلح‌جویانه بزنند. علاوه بر آن وزارت تحسنت اختیاری گوبلز، کمونیست‌های سرشناس آلمانی را مجبور می‌کرد تا

برنامه‌های فرامرزی برگزیده شد. بلافاصله پس از تشکیل پورو کونکورديا، کمونیست‌های فرانسه فراخوانده شدند و از آنها خواسته شد تا

متونی را برای این راديو بنویسند. در این نوشته‌ها از کارگران فرانسوی خواسته می‌شد به منظور جلوگیری از «خونریزی‌های بی‌مورد» در برابر ارتش آلمان مقاومت نکنند. در برنامه‌ای دیگر که **راديو انقلاب** (Radio Revolution) نام داشت، این سؤال مطرح می‌شد که چرا فرانسوی‌ها با آلمانی‌ها در جنگ به سر می‌برند. در چند ماه اول سال ۱۹۴۰، این پیام‌ها، بارها و بارها از این ایستگاه به گوش شنونده‌ها می‌رسید: **فرانسه ضعیف است، آلمان نیرومند است و بریتانیا از فرانسه در جهت مقاصد امپریالیستی خود بهره می‌گیرد.**

ایستگاه‌های مخفی آلمان در طول سال ۱۹۴۰ تمام سعی خود را به کار بستند تا جو وحشت و ترس را در فرانسه ایجاد کنند. دسترسی به طول موج‌های شناخته شده‌ای، مانند: راديو بروکسل و راديو پاریس، به منطقی بودن تبلیغات این ایستگاه‌های سری می‌افزود.

ایستگاه دیگری به فرانسوی‌ها چنین القا می‌کرد که انقلابی ملی در فرانسه در شرف وقوع است. این ایستگاه به ارتش فرانسه هشدار می‌داد که اگر سلاح‌ها را به زمین نگذارند، با قتل عام مواجه خواهند شد و مجریان این راديو گاه و بی‌گاه در مورد حمله برق‌آسای ارتش آلمان مبالغه می‌کردند. گرداننده‌های این راديو هر چند وقت یک بار به دروغ در مورد کمبودهای صنعت نظامی فرانسه دست به افشاگری می‌زدند و اعلام می‌کردند که در صورت



از بین رفتن روحیه سربازان ارتش، کشور یک سره به باد خواهد رفت. این ایستگاه گزارش می‌داد که دولت فرانسه، مردم بی‌پناه کشور را رها کرده و به خارج گریخته است. بیماری وبا پاریس را در چنگال خود گرفته است و کشور در حال نابودی کامل است. گوینده‌های رادیو به مردم پیشنهاد می‌کردند که پول‌های خود را از حساب‌های بانکی بیرون بکشند و به انبار کردن مواد غذایی بپردازند. این نوع تبلیغات مخرب آنقدر ادامه یافت تا فرانسه دچار هرج و مرج و آشفتگی شد. گوبلز در دفترچه خاطرات خود

می‌نویسد: «وزارتخانه (تبلیغات) گزارش داد که مطابق بررسی سرویس‌های دیپلماتیک ما، موفقیت ایستگاه‌های رادیویی صددرصد بوده و فروپاشی اردوگاه دشمن تا حد بسیار زیادی مرهون پخش این برنامه‌ها بوده است.» ایتالیا در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۴۰ به فرانسه اعلام جنگ داد و در ۲۴ ژوئن

انگلیس تفرقه ایجاد کنند. ایستگاه‌های رادیویی سری آلمان تمام تلاش خود را کردند تا به هراس مردم بریتانیا از گروه‌های موسوم به «ستون پنجم» دامن زده شود. ستون پنجم به گروه یساجناح

کرده‌ایم... چرچیل از شدت عصبانیت به داد و فریاد می‌پردازد و قطرات عرق وحشت از تمام منافذ بدن او در حال تراوش است... ما هنوز از تمام ظرفیت‌های تبلیغاتی خود استفاده نکرده‌ایم. این قابلیت‌ها را در موقع مناسب به کار خواهیم گرفت.»

با این حال، آلمان هرگز نتوانست آنچه را که در فرانسه به دست آورده بود در بریتانیا نیز به چنگ آورد. ایستگاه‌های رادیویی سری آلمان سال‌ها به کار خود ادامه دادند تا سرانجام در ۳۰ مارس ۱۹۴۵ که به «جمعه خوب» معروف گشت، تمام این ایستگاه‌ها تعطیل شدند. بورو کونکورديا، نمونه کاملی از استفاده ابزاری از رادیو بود که هیتلر به منظور گسترش پیام‌های خود و تأثیرگذاری بر جنگ از آن استفاده کرد. او از قدرت کلام و فناوری جدید روزگار خود بهره گرفت تا ایدئولوژی نازی را فراگیر کند.

بورو کونکورديا، نمونه کاملی از استفاده ابزاری از رادیو بود که هیتلر به منظور گسترش پیام‌های خود و تأثیرگذاری بر جنگ از آن استفاده کرد. او از قدرت کلام و فناوری جدید روزگار خود بهره گرفت تا ایدئولوژی نازی را فراگیر کند.

زیرزمینی خرابکاری اطلاق می‌شود که سعی می‌کند در همبستگی و اتحاد یک ملت خلل ایجاد کند. گوبلز در خاطرات روز ۲۹ مه ۱۹۴۰ می‌نویسد:

«ما ترس را به دل انگلیسی‌ها انداخته‌ایم... ایستگاه‌های سری را بسیار فعال

همان سال (یعنی تنها دو روز پس از تسلیم فرانسه) ایستگاه‌های مخفی آلمان‌ها تعطیل شدند، زیرا آنها آنچه را که می‌خواستند، به دست آورده بودند. نازی‌ها در سراسر جهان، حتی در آمریکا، ایستگاه‌های رادیویی سری ایجاد کرده بودند.

پس از فروپاشی فرانسه، بریتانیا به

پایان

